

حقوقدانان، جامعه شناسان و جرم شناسان و سایر دانشمندان علوم انسانی و اجتماعی، به این نتیجه رسیده‌اند: حبس و زندان، دیگر، نقشی اصلاحی برای مجرم ندارد و زمینه‌ی بازگشت وی را به اجتماع فراهم نمی‌آورد؛ به خانواده‌ی زندانی، آسیب می‌رساند و جوامع را با مشکلات گوناگون، مواجه می‌سازد. جرم شناسان اعتقاد دارند: نهادهای کیفری می‌توانند در تولید تکرار جرم، نقش داشته باشند.

ابزارهای سیاست کیفری، نهادهایی هستند که راه را برای بازگشت مجرمان به جامعه، هموار می‌کنند؛ حال اینکه مجازات حبس، توان زندانی را از زندگی می‌گیرد؛ چه اینکه در حبس‌های غیر کوتاه مدت، مقایسه وضعیت زندانی، به هنگام خروج از زندان، با زمان ورود وی به زندان، نمایان می‌دارد: زندان، شخصیت بدتری از زندانی، به هنگام ورود وی به زندان می‌سازد و به جامعه، تحویل می‌دهد. زندان کوتاه مدت نیز معایب خاص خود را دارد؛ بدین لحاظ است که شماری از متخصصین علوم جنایی، با حبس، مخالف هستند.

واقعیت مذکور، دانشمندان حقوق کیفری را به اندیشه درباره‌ی ارائه‌ی راه‌کارهای کاهش آسیب‌های ناشی از حبس برانگیخت و در نتیجه، شماری از تدابیر اصلاحی، تحت عنوان: نهادهای ارفاقی کیفری، پیشنهاد گردید. از جمله نهادهایی که بازگشت بزهکاران را به اجتماع تسهیل می‌کند و می‌تواند در بازپروری و اصلاح آنان، مفید واقع شود، اجرای نظام نیمه آزادی و نیز سایر نهادهای ارفاقی کیفری، مانند: اعمال نظارت الکترونیکی، تعویق صدور حکم مجازات و تعلیق اجرای مجازات است.

در پی تصویب قانون مجازات اسلامی جدید، در سال ۱۳۹۲ و راهیابی شماری از نهادهای ارفاقی کیفری، همچون: نظام نیمه آزادی، به گستره‌ی حقوق و سیاست کیفری ایران، قانونگذار ایرانی، به این سو، تمایل یافت که زندان، برای بسیاری از جرایم، مجازات مناسبی نیست و می‌توان با اعمال نهادهای ارفاقی کیفری، از معایب و آثار منفی حبس، اجتناب ورزید. با اعمال نظام نیمه آزادی، می‌توان به میزان قابل توجه‌ای، به اجرای سیاست حبس زدایی و اهداف آن، دست یافت؛ چه اینکه اعمال نظام نیمه آزادی، از یک سو، موجب کاهش تعداد جمعیت کیفری زندان است و از سوی دیگر، با عنایت به اینکه شخص محکوم، با رضایت خویش، در این روند، مشارکت می‌کند، می‌تواند در جهت اصلاح و بازپروری وی، مؤثر واقع شود.

اجرای شیوه‌ی نظام نیمه آزادی تردیدهایی را نسبت به پاره‌ای از اصول فراگیر عدالت کیفری، مانند: اصل برابری شهروندان ایجاد می‌کند به لحاظ اینکه توسل به این نظام، برای مقام قضایی، اختیاری است و صرف نظر از ایجاد تبعیض میان شهروندان، سلیقه‌ای شدن عدالت کیفری، مانعی برای شکل‌گیری سیاست قضایی منسجم و یکسان در نظام عدالت کیفری است و به اشکال مختلف بروز می‌کند که بارزترین آن‌ها صدور آراء متفاوت از ناحیه‌ی مراجع قضایی کیفری است و نیز سبب شکسته شدن اُبْهت نظام عدالت کیفری و تضعیف جنبه‌ی ارباب انگیزی آن است و زمینه را برای سوء استفاده دست اندرکاران عدالت کیفری فراهم سازد.

اینکه نظام نیمه آزادی با دیگر نهادهای ارفاقی کیفری، در چه مواردی دارای افتراق و یا اشتراک هستند، به نظر می‌رسد: نظام نیمه آزادی با سایر نهادهای ارفاقی کیفری، در جهت کاهش جمعیت کیفری و نیز امکان بازپروری مجرمان در اثنای

اجرای حکم در بستر جامعه، دارای وجه اشتراک است، ولی از حیث سیاست قانون‌گذاری و اجرایی، در مواردی، از قبیل: فقدان ضمانت اجراء و تعریف دوره‌ی مراقبت برای نظام نیمه آزادی، دارای افتراق است.

اینکه نظام نیمه آزادی، در مقایسه سایر نهادهای ارفاقی کیفری، برای نمونه: تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات، از حیث سیاست قانون‌گذاری، با چه چالش‌هایی رو به رو است، به نظر می‌رسد: نظام نیمه آزادی در مقایسه با تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات، با چالش شرط گذشت شاکی خصوصی، مواجه است، حال اینکه در نهادهای: تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات، امکان اعمال این نهادهای ارفاقی کیفری، با جبران خسارت بزه دیده، بر فرض عدم گذشت شاکی خصوصی، وجود دارد.

پژوهش پیش رو، به بررسی و مقایسه‌ی نظام نیمه آزادی، با دیگر نهادهای ارفاقی کیفری، از جمله: آزادی مشروط، تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم، آزادی پاره وقت، اجرای کیفر در محیط باز، مرخصی، تعلیق اجرای مجازات و همراه با مراقبت، خدمات عمومی رایگان، نظارت الکترونیکی، حبس خانگی و مجازات‌های آخر هفته، می‌پردازد و جهات افتراق و اشتراک آن‌ها را می‌جوید، تا با شناسایی نقاط مثبت و قابل توجه در یک نهاد ارفاقی کیفری، امکان به کارگیری آن را برای نهاد ارفاقی دیگر بررسی کند که فاقد آن نقاط مثبت و قابل توجه است.

قانون مجازات اسلامی، مواردی از نهادهای مشابه نظام نیمه آزادی را برای مرتکبین جرائم ذکر کرده است و بدین روش، خواسته است تا در جهت مساعدت به مجرمینی که نخستین بار مرتکب جرم می‌شوند، یا دارای شرایط خاص هستند و از شخصیت و وضعیت خاصی برخوردار هستند، برای پیشگیری و رعایت عدالت ترمیمی نسبت به آنان کمک کند و آنان را از ارتکاب مجدد جرم، بازدارد.

سیاست و حقوق کیفری ایران، با پذیرش نهادهای ارفاقی و وارد کردن آن‌ها در سیستم جزایی ایران که بر پایه‌ی تجارب علمی و تجربی کشورهای دیگر استوار است، می‌تواند به بهبود وضعیت مجرمان پردازد و ساماندهی لازم را انجام دهد و البته، اجرای صحیح این نهادها، مستلزم آموزش و درک درست عوامل قضایی و اجرایی، از این نهادها است، تا قضات، مسئولین زندان‌ها، ضابطان قضایی، مددکاران و مأمورین مراقبتی، بتوانند با اطلاعات لازم و کافی، از این فرصت‌های قانونی استفاده کنند و موفق‌تر عمل کنند و در نتیجه، موجب کاهش جرائم در جامعه و اصلاح هر چه بیشتر مجرمین شود. پیش بینی مجازات‌های ارفاقی، می‌تواند موجب تنوع ضمانت اجراها و در نتیجه، برقراری عدالت گردد و علاوه بر آن، موجبات اصلاح و بازپروری اجتماعی مجرم را بیش از پیش فراهم سازد. در این راستا، بهتر است: از تجارب موفق و مطالعات به عمل آمده در سایر کشورهایی استفاده گردد که قبل از ایران، این مسیر را آغاز و به نتایجی رسیده‌اند؛ هرچند، در این جهت، باید به شرایط فرهنگی و اجتماعی در ایران توجه شود.